

# اقتصاد

روزنامه صبح ایران



آینده بازار انرژی جهان ارزیابی شد

## فرار سرمایه از صنایع انرژی خلیج فارس

صفحه ۴

استراتژی «ابهام‌سازی» واشنگتن در برابر «اقتدار میدانی» تهران

# ادعاهایی که محکوم به شکست است

در روزهای اخیر دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، بار دیگر به تاکتیک قدیمی و شکست‌خورده خود یعنی «جنگ روانی»، «ابهام‌سازی عمدی» و «تحریف واقعیت‌های میدانی» متوسل شده است. در حالی که آمریکا و رژیم صهیونیستی در مقابل جبهه مقاومت مجبور به پذیرش آتش بس شده اند، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، بار دیگر به تاکتیک قدیمی و شکست‌خورده خود یعنی «جنگ روانی»، «ابهام‌سازی عمدی» و «تحریف واقعیت‌های

شرح در صفحه ۲

ایران در سید یک جام‌ملت‌های آسیا ۲۰۲۷	بحران پنهان در کارگاه‌های کوچک	پیامدهای قطعی اینترنت بین‌الملل
<b>گروه مرگ و زندگی ایران در جام ملت‌های آسیا!</b>	<b>کاهش حقوق با ترفند ((شیفِتِ نصفه نیمه))</b>	<b>۱۰ روایت از ۱۰ شغل وابسته به اینترنت</b>
صفحه ۷	صفحه ۳	صفحه ۸

<b>سخن نخست</b>	<b>به‌قلم<span> </span>: مه‌ران امیر حسینی</b>
<b>حمله به میراث ایران؛ تلاشی بی‌نتیجه برای شکستن اراده ملی</b>	
آنچه امروز بر سر برخی از مراکز تاریخی و فرهنگی ایران می‌گذرد، نه تنها یک «خسارت جنگی» است، بلکه تلاشی هدفمند برای ضربه زدن به لایه‌های عمیق هویت ملی و تاریخی یک ملت است. هدف قرار دادن اماکن تاریخی چون باغ شاهزاده ماهان، ارگ بم، طاق بستان و	
<b>معایشت زیر آتش، اقتصاد در وضعیت قرمز</b>	
روایت جنگی که به زندگی مردم کشیده شد	
<b>خطیب زاده خواستار واکنش قاطع سازمان ملل نسبت به اقدام تجاوز کارانه علیه کشورمان شد</b>	
معاون وزیر خارجه در دیدار با معاون دبیرکل سازمان ملل خواستار واکنش قاطع این سازمان نسبت به استمرار نقض آشکار قوانین ناشی از اقدام تجاوزکارانه علیه کشورمان شد.	
باشگاه خبرنگاران جوان - سعید خطیب زاده معاون وزیر امور خارجه کشورمان که جهت شرکت در نشست مجمع دیپلماسی آنتالیا به ترکیه سفر کرده است در حاشیه این اجلاس با خانم رزماری دی کارلو معاون دبیرکل سازمان ملل متحد در امور سیاسی و صلح دیدار و پیرامون حملات تجاوزکارانه آمریکا و رژیم اسرائیل به جمهوری اسلامی ایران و آخرین تحولات مربوطه گفت وگو کرد.	
خطیب زاده در این دیدار از خانم دی کارلو خواست سازمان ملل متحد واکنش موثر و قاطعی نسبت به استمرار نقض آشکار قوانین و حقوق بین‌المللی ناشی از این اقدام تجاوزکارانه علیه کشورمان اتخاذ کند.	
صبح نهم اسفند ۱۴۰۴، در حالی که تهران وارد مذاکرات جدی با واشنگتن شده بود، آمریکا و رژیم صهیونیستی همانند دوره گذشته بدون توجه به مذاکرات، به خاک ایران تجاوز و به چندین نقطه در شهرهای مختلف کشورمان و از جمله تهران حمله کردند.	
حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پی حمله نهم اسفندماه ۱۴۰۴ رژیم صهیونیستی و آمریکا به شهادت رسیدند همچنین در حمله وحشیانه صهیونیست‌ها به مدرسه ابتدایی دخترانه شجره طیبه در میناب استان هرمزگان، ۱۶۸ نفر از جمله دانش‌آموزان، کادر آموزشی و برخی از والدین دانش‌آموزان شهید و ۹۵ نفر دیگر نیز زخمی شدند.	
حملات نیروهای آمریکایی صهیونیستی علیه کشورمان طی روزهای اخیر همچنان ادامه داشت و شماری از هموطنانمان در این حملات به شهادت رسیدند. در حال حاضر آتش‌بس موقت میان تهران و واشنگتن برقرار شده است.	



از تهران تا حاشیه: نقشه جدید فقر در بازار اجاره مسکن

## مستاجران زیر ضرب جنگ و تورم

صفحه ۵

### اخبار

قالیباف: هر ۷ ادعای ترامپ کذب است

**با ادامهٔ محاصره، تنگهٔ هرمز باز نخواهد ماند**



پیروز نشدند و حتما در مذاکره هم راه به جایی نخواهند برد.

۳- با ادامهٔ محاصره، تنگهٔ هرمز باز نخواهد ماند.

۴- عبور و مرور در تنگه بر اساس «مسیر تعیین‌شده» و با «مجوز ایران» انجام خواهد شد.

۵- باز یا بسته‌بودن تنگه و مقررات آن را میدان مشخص می‌کند نه شبکه‌های اجتماعی.

۶- جنگ رسانه‌ای و مهندسی افکار بخش مهمی از جنگ است و ملت ایران تحت تأثیر این تردستی‌ها قرار نمی‌گیرد.

**خطیب زاده خواستار واکنش قاطع سازمان ملل نسبت به اقدام تجاوز کارانه علیه کشورمان شد**
معاون وزیر خارجه در دیدار با معاون دبیرکل سازمان ملل خواستار واکنش قاطع این سازمان نسبت به استمرار نقض آشکار قوانین ناشی از اقدام تجاوزکارانه علیه کشورمان شد.
باشگاه خبرنگاران جوان - سعید خطیب زاده معاون وزیر امور خارجه کشورمان که جهت شرکت در نشست مجمع دیپلماسی آنتالیا به ترکیه سفر کرده است در حاشیه این اجلاس با خانم رزماری دی کارلو معاون دبیرکل سازمان ملل متحد در امور سیاسی و صلح دیدار و پیرامون حملات تجاوزکارانه آمریکا و رژیم اسرائیل به جمهوری اسلامی ایران و آخرین تحولات مربوطه گفت وگو کرد.

خطیب زاده در این دیدار از خانم دی کارلو خواست سازمان ملل متحد واکنش موثر و قاطعی نسبت به استمرار نقض آشکار قوانین و حقوق بین‌المللی ناشی از این اقدام تجاوزکارانه علیه کشورمان اتخاذ کند.

صبح نهم اسفند ۱۴۰۴، در حالی که تهران وارد مذاکرات جدی با واشنگتن شده بود، آمریکا و رژیم صهیونیستی همانند دوره گذشته بدون توجه به مذاکرات، به خاک ایران تجاوز و به چندین نقطه در شهرهای مختلف کشورمان و از جمله تهران حمله کردند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پی حمله نهم اسفندماه ۱۴۰۴ رژیم صهیونیستی و آمریکا به شهادت رسیدند همچنین در حمله وحشیانه صهیونیست‌ها به مدرسه ابتدایی دخترانه شجره طیبه در میناب استان هرمزگان، ۱۶۸ نفر از جمله دانش‌آموزان، کادر آموزشی و برخی از والدین دانش‌آموزان شهید و ۹۵ نفر دیگر نیز زخمی شدند.

حملات نیروهای آمریکایی صهیونیستی علیه کشورمان طی روزهای اخیر همچنان ادامه داشت و شماری از هموطنانمان در این حملات به شهادت رسیدند. در حال حاضر آتش‌بس موقت میان تهران و واشنگتن برقرار شده است.

در میانه جنگ و بحرانی تر شدن شرایط اقتصادی، اقتصاد نه در روز آمارها، بلکه در زندگی معلق مردمی روایت می‌شود که هر روز بیشتر به بقا فکر می‌کنند تا آینده. به گزارش اقتصادنیوز، در میانه جنگ، هیچ‌چیز سر جای خود نیست. همه‌چیز در حالتی از تعلیق فرو رفته؛ تعلیقی که نه به سکون می‌رسد و نه به قطعیت. خیابان‌ها هنوز پر رفت‌وآمدند، مغازه‌ها نیمه‌بازند، چراغ‌ها روشن است، اما زیر این ظاهر ادامه‌دار، نوعی بی‌ثباتی عمیق جریان دارد. در این وضعیت معلق، شاید هیچ تعلیقی به اندازه آنچه بر سر کسب‌وکارها آمده، نگران‌کننده نباشد. زنجیره‌ای از مشاغل که به هم متصل‌اند و اکنون، هر حلقه‌اش زیر فشار، ترک برداشته است.

۱۰ روز پس از پایان موقت جنگ، بازار کار نه به وضعیت پیشین بازگشته و نه به رکود کامل رسیده؛ بلکه در تعلیقی عمیق، میان احتیاط کسب‌وکارها و بلاتکلیفی نیروی کار، متوقف مانده است.

قطع اینترنت بین‌الملل، اگرچه در نگاه اول، تعطیلی کسب‌وکارهای مجازی را به ذهن می‌آورد، اما دامنه اثر آن بسیار فراتر از چند فروشگاه آنلاین یا صفحه‌ی اینستاگرامی است. آنچه این روزها در گفت‌وگو با مردم به‌وضوح شنیده می‌شود، تصویری از یک شبکه درهم‌تنیده است که با قطع یک گره، کل آن دچار اختلال شده است.

در این میان، بسیاری بر این باورند که تنها کارمندان دولت، تا حدی از این وضعیت در امان مانده‌اند؛ نه به این معنا که فشار را حس نمی‌کنند، بلکه از آن جهت که خطر تعدیل، دست‌کم در کوتاه‌مدت، کمتر متوجه آنان است. در مقابل، بخش خصوصی، از کسب‌وکارهای کوچک تا سازمان‌های بزرگ، ناگزیر به بازنگری در ساختار نیروی انسانی خود شده‌اند.

**تعدیل؛ تصمیمی از سر اجبار یا اختیار؟**

این بازنگری، در بسیاری موارد، به تعدیل نیرو ختم شده است؛ تصمیمی که نه‌از سر انتخاب، بلکه از سر اجبار گرفته می‌شود. کسب‌وکارها به‌هم وابسته‌اند و رکود در یک حوزه، به‌سرعت به حوزه‌های دیگر سرایت می‌کند. فعالیت‌هایی که ماهیتاً بر بستر آنلاین شکل گرفته‌اند—از برنامه‌نویسی و تولید محتوا گرفته تا خدمات دیجیتال—عملاً متوقف شده‌اند.

پروژه‌هایی که به ارتباط با سرورهای خارجی، پلتفرم‌های بین‌المللی یا حتی ابزارهای ساده آنلاین وابسته بودند، اکنون در وضعیت تعلیق قرار دارند. این توقف، تنها به معنای کاهش درآمد نیست؛ بلکه به معنای از دست رفتن فرصت‌ها، مشتریان و حتی اعتبار حرفه‌ای است.

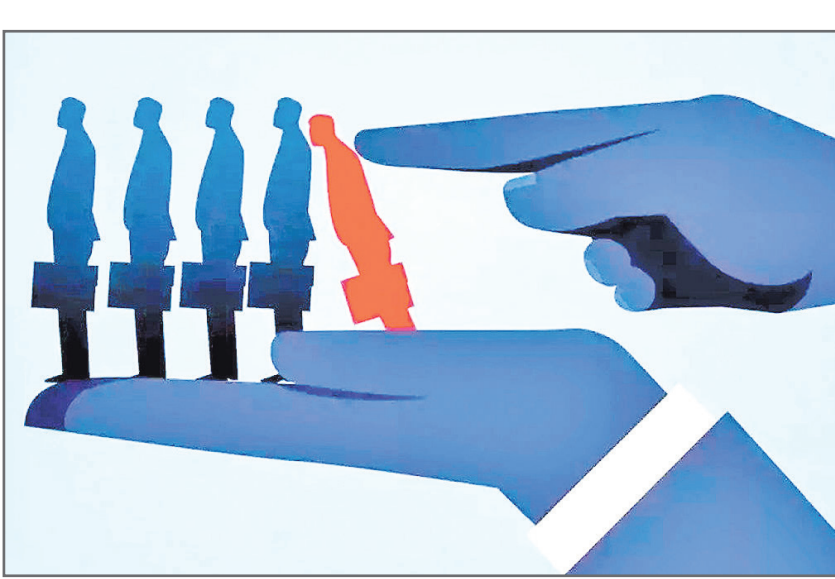
**گلابه‌ای که عمومی شده است**

با این حال، دامنه ناراضیاتی به این حوزه‌ها محدود نمی‌شود. حتی مشاغلی که در ظاهر، ارتباط مستقیمی با اینترنت ندارند، از این وضعیت آسیب دیده‌اند. سوپرمارکت‌ها از کاهش قدرت خرید مشتریان می‌گویند.

فروشندهگان مواد غذایی از افت فروش روزانه گلابه دارند.

روایت جنگی که به زندگی مردم کشیده شد

## معیشت زیر آتش، اقتصاد در وضعیت قرمز



کافه‌ها و رستوران‌ها که تا پیش از این، بخشی از درآمد خود را از طریق تبلیغات و جذب مشتری در فضای مجازی تأمین می‌کردند، اکنون با کاهش محسوس مراجعه‌کنندگان مواجه شده‌اند. یکی از صاحبان یک کافه در مرکز شهر می‌گوید: «مردم دیگر مثل قبل برای نشستن و وقت گذراندن نمی‌آیند. خریدها هدفمندتر شده و هزینه‌های غیرضروری حذف شده است.»

**خبرنگاران؛ در خط مقدم اما آسیب‌پذیر**

در این میان، خبرنگاران نیز وضعیت متفاوتی ندارند. اگرچه در ظاهر، نقض آنان در چنین شرایطی پررنگ‌تر می‌شود، اما در عمل، آنان نیز در زمره افشار آسیب‌پذیر قرار گرفته‌اند. دسترسی محدود به منابع، اختلال در ارتباطات و فشارهای اقتصادی، کار حرفه‌ای را دشوارتر کرده است.

داود سوری، اقتصاددان معتقد است که تخریب مجتمع‌های فولاد اصفهان و فولاد خوزستان به تنهایی می‌تواند باعث کاهش قریب به یک درصد از رشد اقتصادی کشور شود. چرا که این دو کارخانه بزرگ به عنوان نهاده‌های استراتژیک در بسیاری از بنگاه‌های دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرند و از مدار خارج شدن آن‌ها، کل زنجیره تولید را با بحران می‌کند.

از سوی دیگر، وقتی فضای کلی جامعه در حالت تعلیق قرار دارد، هزینه‌های جنگ بیش از آنکه از سوی نهادها پرداخت شود، بر دوش مردم سنگینی می‌کند؛ مردمی که ناگزیرند از پس‌اندازهای خود مصرف کنند، بی‌آنکه چشم‌انداز روشنی از آینده داشته باشند.

**یک روز رفتیم سرکار و گفتند از فردا نیا**

این فشار اقتصادی، در روایت‌های فردی، چهره‌ای ملموس‌تر به خود می‌گیرد. کارمندی که در یک شرکت خصوصی مشغول به کار بوده، از روزی می‌گوید که به‌طور غیرمنتظره به او اطلاع داده‌اند دیگر نیازی به حضورش

**رابطه‌های ناتمام، کارهای ناتمام**

یک روان‌شناس که بخش قابل‌توجهی از مراجعانش در خارج از کشور بودند، می‌گوید: «بیش از یک ماه و نیم است که ارتباط ما قطع شده. نه آن‌ها می‌دانند چه بر سر من آمده، نه من از وضعیت آن‌ها خبر دارم. این فقط مسئله درآمد نیست؛ مسئله‌ی رابطه‌ای است که ناتمام مانده.» در جایی دیگر، یک پزشک عمومی از دشواری تهیه تجهیزات ساده سخن می‌گوید و اینکه چگونه برنامه‌های توسعه ملبش به‌طور کامل متوقف شده است.

**روزمزگی تقلیل‌یافته به بقای حداقلی**

در سطحی پایین‌تر، یک کارگر فروشگاه‌ی روایت ساده‌تری دارد: «فقط سعی می‌کنیم روز را شب کنیم و شب را روز.» این جمله، اگرچه کوتاه است، اما گویای وضعیت بسیاری از مردم است؛ وضعیتی که در آن، برنامه‌ریزی بلندمدت جای خود را به بقا در کوتاه‌مدت داده است.

شاید مهم‌ترین تصویر این روزها، نه قفسه‌های خالی یا خیابان‌های خلوت، بلکه ذهن‌هایی باشد که درگیر این پرسش‌اند: «تا کی؟» و «بعدش چه می‌شود؟»

در این میان، روایت‌های دیگری نیز شنیده می‌شود. جوانی که به‌تازگی وارد بازار کار شده، می‌گوید پیشنهاد کاری‌اش به دلیل «نامشخص بودن شرایط» به تعویق افتاده است. زنی که به‌صورت خانگی تولیدی کوچکی راه‌اندازی کرده بود، از کاهش شدید سفارش‌ها می‌گوید. مردی که سال‌ها در حوزه تبلیغات دیجیتال فعالیت می‌کرده، اکنون در فکر تغییر کامل مسیر شغلی خود است.

**جنگی که در زندگی روزمره جریان دارد...**

تمام این روایت‌ها، قطعات پازلی هستند که در کنار هم، تصویر یک جامعه در حال گذار را نشان می‌دهند؛ جامعه‌ای که در آن، جنگ تنها در میدان‌های رسمی جریان ندارد، بلکه در لایه‌های پنهان اقتصاد و زندگی روزمره نیز حضور دارد. جنگی که هزینه‌هایش، به‌تدریج و بی‌صدا، در سفره‌های مردم، در قراردادهای کاری، در تصمیم‌های ناگزیر کارفرمایان و در نگرانی‌های شبانه‌ی کارگران و کارمندان نمود پیدا می‌کند.

**پرسشی بی‌پاسخ درباره فردا**

در چنین فضایی، پرسش از آینده، بیش از هر زمان دیگری بی‌پاسخ مانده است. نه نشانه‌ای روشن از بهبود دیده می‌شود و نه امکان پیش‌بینی دقیق وجود دارد. تنها چیزی که به‌وضوح قابل مشاهده است؛ چهره‌ای که در آن، اعداد و شاخص‌ها معلق است؛ وضعیتی که در آن، همه در انتظارند، اما نمی‌دانند انتظار چه چیزی را می‌کشند. شاید بتوان گفت که این روزها، اقتصاد بیش از هر زمان دیگری، چهره‌ای انسانی به خود گرفته است؛ چهره‌ای که در آن، اعداد و شاخص‌ها جای خود را به داستان‌های فردی داده‌اند. داستان‌هایی از بقا، از تلاش برای ادامه دادن، و از امیدی که اگرچه کمرنگ شده، اما هنوز به‌طور کامل از میان نرفته است. در دل این تعلیق، زندگی همچنان جریان دارد، اما نه با اطمینان گذشته؛ بلکه با احتیاط، با تردید، و با این پرسش مداوم که «فردا چه خواهد شد؟»